



(سیر اندیشه های تیتوس بورکهارت در حوزه هنر و معماری اسلامی)

عسل زند داودی¹، مینا سلامت²، هیفاء صالحی³

^{1*} استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران . asaldavoodi@srbiau.ac.i

² دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران . Mis_101@Yahoo.com

³ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران . Hauof.h@gmail.com

چکیده

هنر اسلامی به آثار فرهنگ و تمدن ملت های مسلمان در دوران اسلامی (تاریخ اسلام) اطلاق می شود و دارای خصوصیات و توصیفات است که در عالم تفکر سنت و زیبایی شناسی عرفانی می توان از آن سخن گفت. هنر در تفکر و معرفت سنتی، ماهیتی متفاوت با دوران جدید دارد؛ چپستی هنر، پرسش دوران و عالم جدیدی است که انسان عصر حاضر، معمار آن است. گمان می شود که پژوهش های موجود در زمینه هنر و معماری اسلامی صرفا جنبه تاریخی دارد. در این میان تیتوس بورکهارت از جمله اندیشمندانی است که علاقمند به هنر و تمدن اسلام شد، و به تحلیل و توصیف اماکن مقدس اسلام و جوانب مختلف معرفت و عرفان اسلامی پرداخت. او هنر و معماری اسلامی را با نگرشی متفاوت با آنچه در غرب معمول بود، تجزیه و تحلیل کرده و حکمت خالده، هنر مقدس و سنت های شرق از دیدگاه های وی بوده است. هدف از ارائه این پژوهش فراهم آوردن زمینه ای مناسب جهت توجه به هویت و فرهنگ سنتی و اسلامی در عرصه هنر و معماری است و همچنین سعی بر بررسی اندیشه های تیتوس بورکهارت، سید حسین نصر و حسن بلخاری قهی در خصوص معماری اسلامی، معماری ایران، تزئینات اسلامی و نمونه موردی از مساجد بدو اسلام و همچنین مساجد کهن ایرانی شده است؛ در نتیجه بورکهارت به بحث توحید، کثرت به وحدت و وحدت به کثرت، پرداخت و روح اسلامی هنر را در معماری مساجد و مکان های دینی دیده است؛ او شیوه ای جدید در حوزه شناخت اسلامی را آغاز کرد و هنر اسلامی را پایه و بیانگر هنر معرفی کرد.

واژه های کلیدی: اندیشه، تیتوس بورکهارت، معماری اسلامی، تزئینات اسلامی، هنر مقدس، حکمت خالده



1- مقدمه

تیتوس بوركهارت هنرشناس و متفکر مسلمان سوئیسی - آلمانی و از نویسندگان سنت گرا بود. او پسر کارل بوركهارت مجسمه ساز سوئیسی، در سال ۱۹۰۸، در خانواده‌ای معروف، در شهر فلورانس چشم به جهان گشود. تیتوس بوركهارت در دوره ابتدایی و متوسطه با فریتهوف شوان (۱۹۰۷-۱۹۹۸ میلادی)، متفکر و شرق شناس مسلمان، همدرس بود و همراه با او به نقاشی و طراحی روی آورد. این آشنایی بعد ها به همکاری و همفکری عمیقی تبدیل شد که تا پایان عمر بوركهارت ادامه یافت. بوركهارت در سال 1935 پس از مسافرت به آفریقای شمالی و سکونت در شهرهای مغرب، مخصوصاً فاس شیفته هنر و تمدن و بیش از آن معنویت اسلامی گشت و به اسلام روی آورد و نام خود را ابراهیم نهاد. او مانند جد معروف خود که اولین توصیف اماکن مقدسه اسلام را به زبان های اروپایی نگاشت به تحقیق درباره جوانب مختلف معارف و هنر اسلامی پرداخت و علاقه مفرط او به حکمت و عرفان او را به مطالعه هنر قرون وسطی و قدیم کشانید.

تیتوس بوركهارت، یکی از محققانی است که مطالعات گسترده‌ای در هنر و معماری اسلامی - به ویژه در هنر کشورهای غرب اسلام - داشته است. بوركهارت آشنایی گسترده ای نیز با اندیشه های عرفانی در مسیحیت، آیین هندو، بودایی و بخصوص اسلام داشت. حال به بررسی موضوعات هنر، معماری اسلامی و تقسیم بندی آن ها از نگاه بوركهارت و دیگر اندیشمندان می پردازیم.

2- معرفی تیتوس بوركهارت

تیتوس بوركهارت^۱، یکی از محققانی است که مطالعات گسترده‌ای در هنر و معماری اسلامی - به ویژه در هنر حوزه غرب اسلام داشته است. بوركهارت آشنایی گسترده ای نیز با اندیشه های عرفانی در مسیحیت، آیین هندو، بودایی و بخصوص اسلام داشت.

به گفته سید حسین نصر «بوركهارت یک صوفی و اهل تعالیم باطنی بود که در تمام مدت حیاتش به طی کردن راه معنوی پرداخته بود که به مواجهه او با خدای واحد منجر می باشد. همچنین شارح حکمت خالده، خبره هنر مقدس سنت های بزرگ شرقی و غربی و منتقد ژرف نگر هنر مدرن از دیدگاه معنوی بود».

از مهمترین آثار تیتوس بوركهارت می توان به هنر مقدس (اصول و روش ها)، هنر اسلامی (زبان و بیان)، مبانی هنر اسلامی، فاس (شهر اسلام)، فرهنگ مغرب در اسپانیا، کیمیا (علم جهان و علم روح)، رمزپردازی، حکمت پیامبران، انسان کامل، کلید معنوی احکام نجوم اسلامی بر اساس نظر ابن عربی، درآمدی بر آیین تصوف اشاره کرد.

3- هنر از نگاه تیتوس بوركهارت

ویژگی های هنر از نگاه تیتوس بوركهارت؛ وحدت (کیفیت اثر هنری و سرچشمه همه کمالات)، عدل (توازن و تعادل در اثر هنر)، گرم (کمال در اثر هنری) می باشد. تیتوس بوركهارت معتقد است که هدف اصلی هنر در بینش اسلامی، تقلید یا توصیف طبیعت نیست، بلکه شکل دادن به محیط انسان است؛ چراکه فعل بشر هرگز با هنر الهی برابر نخواهد بود. اصیل ترین این هنرها خوش نویسی است؛ هنر معماری نیز تقریباً شان و اهمیتی نظیر خوش نویسی دارد [3].

تیتوس بوركهارت هنر راه به سه دسته هنر سنتی، هنر دینی و هنر مقدس تقسیم بندی کرده است.

3-1- هنر سنتی

هنر سنتی معمولاً به هنرهای آغازین تمدن ها اشاره دارد، زیرا اصول روحانی و معنوی تمدن ها را آشکار می سازد هنر سنتی را در یک نگاه می توان به دو بخش تقسیم کرد:

3-1-1- هنرهای سنتی قدسی

همچون معماری مساجد، تلاوت قرآن و خطاطی است که در آن ها مستقیماً به جنبه های معنوی پرداخته می شود و در راستای اعمال عبادی و آئینی بهره برداری می شوند.



3-1-2- هنرهای سنتی غیر قدسی

در هنر سنتی غیر قدسی وجه ارتباط با مراسم آیینی و مناسک دینی نادیده گرفته شده و جنبه های دنیوی در آن آثار تقویت می شوند و حضوری پر رنگ دارند، مانند نگارگری و موسیقی.

3-1-3- حکمت خالده

بورکهارت، از بزرگان «سنت گرا» و فلسفه «حکمت خالده» بود که دیدگاهی حکمی، عرفانی نسبت به هنر و علوم سنتی و گذشته دارند؛ حکمت خالده یکی از اصلی ترین بخش های مفهوم سنت است. حکمت خالده یا جاودان خرد، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است که در قلب همه سنت ها جای دارد و عالی ترین یافته حیات آدمی است. این دیدگاه بر آن است که نوعی امر ثابت وجود دارد که گوهر همه ادیان و سنت ها است و با تغییرات زمانی و مکانی تغییر نمی کند. آنچه که تغییر می کند، صورت یا بیان الهیاتی حکمت خالده است. حکمت خالده فقط یک رویکرد نیست، بلکه یک جهان بینی است و قابلیت آن را دارد که نه فقط دستورالعمل دین پژوهی، بلکه الگوی زندگی قرار بگیرد.

3-2- هنر دینی

هنر به معنی شریف آن همان انسان کامل و تمام است، در فرهنگ عتیق بشری به معنی دینی تفسیر می شود، اما هرچه جلوتر می آیم کفر بر هنر غلبه پیدا می کند [2].

به نظر تیتوس بورکهارت در اسلام هر هنری یک علم و هر علمی یک هنر است، این عبارت مستقیماً به سنت هندسی موجود در هنر اسلامی اشاره دارد؛ این سنت به هنرمند اجازه می دهد تا از اشکال بنیادین هندسی به صورت های متوازن و هماهنگ برسد؛ مانند هنر اسلیمی، خطاطی و مقرنس کاری.

در بینش اسلامی هنر فقط برای این است که به ماده شرافتی روحانی ببخشد. اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند از اصیل ترین مبانی فکری هنر اسلامی است؛ از مفاهیم اساسی شکل دهنده معماری اسلامی عناصری همچون مناره، گنبد مساجد می باشد و کعبه نیز اصل توحیدی است که ریشه های این هنر منشعب از وحی و معارف دینی است و هنر دینی پیوندی دو سویه بین دو جهان مادی و غیر مادی برقرار می کند. همچنین نفی فردگرایی، عدم شمایل نگاری و استفاده انتزاعی از تصاویر گیاهان و حیوانات از ویژگی های این هنر است.

3-3- هنر مقدس

هر اثر هنری صرفاً به جهت داشتن موضوع مذهبی و دینی اثر هنری مقدس نامیده نمی شود؛ بلکه علاوه بر موضوع باید محتوا و زبان صوری آن هم برگرفته از حقیقت معنوی باشد، این بدان معناست که اگر اثر هنری دارای موضوعی مذهبی باشد، چنانچه زبان فرمیک و صوری آن نشأت گرفته از چارچوب معنوی نباشد از آن تعبیر به هنر مقدس نمی کنند اما به آن اطلاق هنر دینی مانعی ندارد [7]. از خصوصیات هنر قدسی می توان به بالاترین مرتبه هنری بودن آن، تقلیدی نبودن آن اشاره کرد. زبان صوری هنر باید استوار بر حقیقتی روحانی و مطابق با آن باشد، و در نهایت اینکه هدف هنر مقدس انتقال مفاهیم با زبان رمز است.

4- رمز

رمز پردازی بیانگر و توصیف کننده حقیقت ازلی است، رمز بهترین وسیله ابلاغ حقایق بنیادی حکمت می باشد و زبان رمز و تمثیل زبانی ازلی، فطری و جامع است و در آن نقص وجود ندارد [10].

نمونه موردی های رمز پردازی در هنر و معماری قدسی به شرح ذیل می باشد:

خطاطی: نقطه خالق الف و الف خالق سایر حروف است، زیرا در حالی که نقطه نماد هویت الهی است، الف نیز نشانگر مقام واحدیت است.



معماری: کاربرد اشکالی دو بعدی مثل مربع و دایره و اشکال سه بعدی مانند مکعب و کره در معماری اسلامی تمثیل زمین به آسمان است. از اعلاترین اشکال رمزی که در بناهای مذهبی مانند مساجد به کار رفته است، حرکت هایی است که در طرح های اسلیمی، نقش های هندسی، کاشی کاری ها، مقرنس ها و مشبک ها وجود دارد.

کعبه: هفت بار طواف خانه کعبه، که خود منشاء معماری قدسی در اسلام است، عاملی برای ارتباط این حرم با گردش آسمان ها و تعداد افلاک آسمان (هفت آسمان) صورت می گیرد: سه بار به حالت دو و چهار باز به قدم های آهسته [5].

سجده انسان با گذاردن هفت موضع بر زمین، تمثالی از طبقات هفتگانه هستی و گردش هفت بار روح آدمی در عروج به آسمان می شود. این طبقات هفت گانه در عرفان شامل توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا است.

هفت، علاوه بر معانی رمزی و سمبلیک فوق به هفت صفت کیهانی که به خدا نسبت داده می شود و بیانگر صورت الهی انسان کامل یا حضرت آدم است که این صفات: نطق، حیات، علم، اراده، قدرت، شنوایی و بینایی هستند.

5- مسئله تمثال نگاری

نهی تصاویر در اسلام به طور ویژه مربوط است به نگاشتن تصویر الوهیت، که این موضوع به یگانه پرستی ابراهیمی در اسلام بر می گردد؛ البته نگاشتن چهره پیامبران، انبیاء و اولیاء نیز نهی شده است، نه تنها از آن رو که پیکر آنان چه بسا معبود بت پرستان شود بلکه به سبب احترامی که ناشی از غیر قابل تقلید بودن ایشان است.

هیچ چیزی حتی به شیوه نسبی و گذرا نباید میان انسان و حضور نامرئی خداوند عایق و مانعی ایجاد کند، زیرا توحید و وحدت را نمی توان با هیچ تصویری نمودار ساخت. آن چه در برابر همه دیدگاه ها پای می فشرد و استوار می ماند آن است که اسلام می گوید «لا اله الا الله» که همه نظرهای دیگر را در برابر الوهیت باطل می سازد و بدان مجال جلوه گری هم نمی دهد [1].

6- مینیاتور

سرچشمه و ریشه مکتب مینیاتور را می توان در متن های آثار ترجمه شده به عربی و مصور شده یافت؛ در کتاب های علمی ترجمه شده در زمینه پزشکی، گیاه شناسی و جانور شناسی که در میان مردم آن زمان رایج بود تصاویری که در متن اصلی نگاشته شده بود درج می شد. نخستین نسخه برداران گویا مسیحی یا صائبی بودند. بعدها مسلمانان عرب یا ایرانی هم بدین کار پرداختند و رفته رفته دست به کار مصور ساختن کتاب های داستان زدند که موجب جاودان شدن هنر داستان پردازی گشت [8].

هنر مینیاتور نمی تواند هنری مقدس شمرده شود، اما این هنر کما بیش در محیط و مرزهای معنوی خاص اسلامی، مظهر فضیلت و برتری یا انعکاس دهنده اشراق و تفکر قرار می گیرد؛ همانند مینیاتور ایرانی معراج نبی اکرم (ص) در آسمان ها، از نسخه خطی خمسه نظامی، 936 هجری تا 950 هجری [1].

7- کثرت در وحدت

تیتوس بورکهارت درخصوص چپستی وحدت، آن را تنها در پیوستگی اجزا و عوامل ندانسته و بر این باور است که این وحدت در تمامی اجزا، منجر به یکپارچگی و خلوصی می گردد که قابل انفکاک نیست و شهادتی است بر یگانگی خدا؛ بنابراین در بسیاری از صور هنر اسلامی وحدت توسط تکرار نقش مایه های هندسی و تناوب در وزن ها و قرینه سازی انجام پذیرفته است، مانند نقوش اسلیمی، مقرنس کاری ها، خطاطی. وحدت از الزامات وجودی زیبایی و هنر است به طوری که اگر هنری نتواند بیانگر وحدت شود ناقص است. وحدت در معماری ایرانی- اسلامی در هارمونی و هماهنگی متجلی است.

8- تزئینات

راه کارهای معماری اسلامی برای ایجاد تزئینات به دور از شمایل نگاری، توجه به هندسه و اشکال هندسی که موجب درون نگری، تفکر و عدم تفرق ذهنی انسان می شود، (نقوش اسلیمی و مقرنس)؛ تزئین با تصاویر انتزاعی (حیوانات و گیاهان) که خلق وزن و آهنگ ناگسسته در فضا



می کند، (خطاطی و نقوش اسلیمی)؛ همگونی درون و بیرون بنا؛ عدم تقلید کامل از طبیعت به وسیله عدم رعایت ابعاد سه گانه یا سایه و روشن در تزئینات می باشد.

8-1- تزئینات اسلیمی

از خصوصیات هنر اسلیمی می توان به پیوستگی عناصر انتزاعی گیاهی و هندسی که به صورتی هماهنگ درهم پیچیده اند، (وحدت در کثرت و کثرت در وحدت) اشاره نمود. پویایی زیاد در این نوع هنر اشاره به کثرت دارد (وحدت در کثرت و کثرت در وحدت)؛ شمایل‌گریزی در هنر اسلیمی نمایانگر توحید است و در هم آمیزی هندسه با توازن به صورت خطی که تبلور تعادل و توازن است بازگویی وحدت الهی می باشد.

استفاده از نقش‌های اسلیمی در کنار خوشنویسی در تذهیب کتاب‌ها و در استفاده تزئینات معماری و کتیبه نگاری‌ها، یکی از کاربردهای هنر اسلیمی است. شکل‌های پیچاپیچ اسلامی معمولاً از یک یا چند شکل منظم همچون دایره تقسیم شده به پنج قسمت، دایره تقسیم شده به شش قسمت (رایج‌ترین)، دایره تقسیم شده به هشت قسمت، دایره تقسیم شده به ده قسمت و دایره تقسیم شده به دوازده قسمت تشکیل می شوند.

8-2- مقرنس

در هم آمیزی هندسه با توازن به صورت فضایی و پایه‌هایی به صورت طاقچه برای نگهداری گنبد را مقرنس می گویند که به استواری و توازن کمک می کند. مقرنس تمثیلی از فیضان نور در عالم مخلوق خداوند است، که چون چلچراغی بر سر جان نمازگزاران، نور رحمت، معنا و معنویت می گستراند [5].

9- سرگذشت معماری در تمدن اسلامی

معماری اسلامی با مساجد آغاز می شود، نه از این رو که اولین بنای ساخته شده در مدینه توسط مسلمانان و با هدایت پیامبر (ص)، مسجد بود، به دلیل اینکه مسجد تمامی کارکردهای معماری را یک جا در خود داشت، نه تنها محل عبادت، بلکه مکانی برای مدیریت تمامی اموری بود که مستقیم یا غیر مستقیم به دین ارتباط داشت و همچنین محلی برای تعلیم و تربیت و حتی برای آسایش مسافران و خورد و خوراک آنان بود [5].

10- معماری اسلامی

می توان گفت که معماری در میان هنرهایی که محیط انسان را شکل می دهند و آن را مهیای نزول برکت می سازند، جایگاه اصلی را دارد. اکثر هنرهای فرعی، نظیر منبت کاری، کاشی کاری، سنگ تراشی و... با معماری پیوند دارند؛ اما این قبیل هنرها را، بنا بر اصطلاح متداول، هنرهای فرعی می نامیم، ولی ارزش آن‌ها در دنیای اسلام هرگز کمتر از معماری یا خوش نویسی تلقی نگردیده است [1].

سودمندی، عملکرد گرایی و زیبایی (برگرفته از معنویات و حقیقت ازلی) از ارکان اصلی معماری اسلامی است. میان هنر و فن در معماری جدایی نیست و به کار بردن هندسه کیفی جهت رسیدن از کثرت به وحدت در معماری الزامی است.

اهمیت کیفیت فضا در معماری اسلامی، موجب درون‌نگری و تفکر در فرد می‌شود و اگر در معماری اسلامی شمایل‌نگاری به کار می‌رفت این امر حادث نمی‌شد.

در واقع دوری از هرگونه شمایل نگاری در بناها و وجود نداشتن تصاویر در مساجد، موجب از میان برداشتن هرگونه «حضور» است که ممکن است در مقابل «حضور نامرئی» خداوند جلوه کند. فراغت از زمان و مکان به منظور فارغ شدن از بعد مادی و نزدیکی به احدیت نیز از جمله خصوصیات معماری اسلامی است.



10-1- کعبه، نماد معماری اسلامی

به عقیده تیتوس بوركهارت کعبه از مهم ترین عناصر برای هنر اسلامی و معماری اسلامی است. فرم های غالب به کار رفته در خانه خدا، مکعب و دایره است.

مکعب؛ کعبه به معنی مکعب است ولی اندکی نامنظم است، زیرا درازای آن 12 متر، پهنای آن 10 متر و بلندی آن در حدود 16 متر است. دایره؛ حرکت دوار حجاج به دور کعبه که همانند گردش خون است در تن آدمی و کعبه همانا قلب جهان تلقی می شود. صحن پیرامون کعبه نیز کمابیش دایره وار است.

آداب عبادی اسلامی مسلمانان پیوندهایی با کعبه دارد؛ یکی پیوندی ثابت، که در مسیحیت برای عبادت رو به سوی مشرق که محل طلوع خورشید و مسیح می باشد می ایستند، بنابراین تمام قبله کلیساها موازی هستند در صورتی که قبله و محراب همه مساجد اسلامی به یک نقطه متوجه شده اند، زیرا مسلمانان برای نماز رو به سوی یک قبله واحد که همان کعبه است می ایستند، که این موضوع نمایشگر وحدت اسلامی مسلمانان می باشد؛ و دیگری پیوندی متحرک، که هر مومنی ملزم است دست کم یک بار در عمر خود در صورت توانایی به زیارت مکه برود [9].

10-2- معماری مساجد

مسجد در لغت به معنای مکان سجده یا سجده گاه است و سجده در تعریف فقهی آن عبارت است از گذراندن هفت موضع بر زمین. صورت فیزیکی این هفت موضع بر زمین، شباهتی تمام با پلان معماری مسجد در سر درها و ایوان ها دارد. مسجد، اسلامی ترین معماری اسلامی است و به همین دلیل شناسنامه معماری جهان اسلام است. مسجد در کاکرد فیزیکی خود، مکانی است برای عبادت، اما در کاکرد متافیزیکی، تجلیات معنوی و عرفانی است. اولین مسجد ساخته شده در اسلام، خانه پیامبر اکرم (ص) در مدینه است.

اولین و مشهورترین مساجد ساخته شده در صدر اسلام پس از مسجد پیامبر در مدینه مساجد فسطاط، قیروان، کوفه و بغداد است. بوركهارت نیز قبه الصخره را کهن ترین بنای معماری اسلامی می داند که در همان مکانی ساخته شد که روزی معبد یا هیکل سلیمان بود، که مکانی مقدس و مورد احترام یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است، که به دلیل ذکر آن در قرآن که محل معراج پیامبر و قبله اول است [5]. از ارکان مهم تشکیل دهنده در ساخت مساجد می توان به مواردی چون محراب، قوس و مناره اشاره نمود. محوری ترین بخش در مساجد محراب است. محراب پناهگاهی امن و قرارگاهی برای سکون جان و آسایش روح است. تیتوس بوركهارت در کتاب هنر اسلامی، زبان و بیان، مظهریت محراب را در پناهگاه بودن آن می داند [1].

فرم معماری و تزئینات محراب بازتابی از حقیقت آسمانی و هویت روحانی آن است. از دیدگاه تیتوس بوركهارت این شکل و فرم ماخذ از آیه مشهور نور در قرآن است که حضور الهی در جهان (یا در دل و جان آدمی)، با نور چراغ در طاقچه (مشکوه) مقایسه می شود: «اله نور السماوات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانه کوكب درى یوقدمن شجره مبارکه زیتونه یا شرقیه و لا غربیه یکاد زیتها یضی و لو لم تمسسها نار نور علی نور...» در این آیه مقایسه میان محراب و مشکوه آشکار است و آن تأکیدی است بر اینکه چراغی را در زاویه نیایش آویزند.

قوس، اصلی دیگر از معماری مسجد می باشد. سر در ایوان های داخلی، گنبد، محراب، شبستان ها و دیگر اجزا، بنا به کارکرد معنوی شان، معماری مبتنی بر قوس دارند.

مناره، در معماری اسلامی نماد معرفت الوجود می باشد [5].

11- معماری اسلامی در ایران

ایران اسلامی، معماری نوینی را مبتنی بر دو عامل معنوی و فکری نیرومند، که از یک سو از معماری و هنر قدسی گذشته ایران (دوره ساسانی) و از سوی دیگر روح حاکم بر تعالیم و معنویت اسلامی بود، بنیان نهاد؛ و در این قلمرو مهمترین مصداق معماری خود را علاوه بر مدارس، تکابا، آرمگاه ها، حسینیه ها و مصلی ها، که آنها نیز هویت مذهبی داشتند، مسجد قرار داد.

اولین و کهن ترین مسجد در ایران، که همچنان باقی است مسجد جامع فهرج یزد است، که در قرن اول هجری در فهرج یزد ساخته شده است و شامل حیاط، شبستان، راهرو و مناره است. مناره ورودی اصلی مسجد قرن ها بعد به آن اضافه شد. طاق های گهواره ای شکل این مسجد با طاق های دوره ساسانی منطبق است.

دومین مسجد کهن در ایران، که ساخت آن به سال 33 هجری بر می گردد، تاریخانه یا خدای خانه دامغان است که این بنا تاثیر گرفته از دوره ساسانی می باشد. ویژگی معماری این مسجد هجده ستونی بودن آن است.

سومین مسجد کهن، مسجد جامع نایین یا مسجد علویان است، که مانند تاریخانه دامغان و مسجد جامع نیز طاق های هلالی دارد. چهارمین، مسجد جامع تبریز است که در سال 363 هجری ساخته شده است و نقشه آن یک ایوانی است، که اشاره به بناهای دوره ساسانی دارد و همین طور محراب گچبری شده زیبایی دارد. معماری اسلامی در ایران از محدوده مساجد فراتر رفت و بناهای دیگری چون مدارس، تکایا (حسینیه) و به ویژه آرامگاه را در بر گرفت [5].

11-1- نور، رنگ و آب

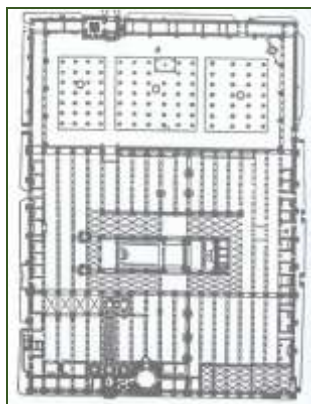
نور، رنگ و آب از ارکان بسیار مهم زیبایی شناسی معماری اسلامی و ایرانی است. نور در معماری اسلامی برگرفته از سوره نور است (خدا نور آسمان و زمین است) و نشانه و نمادی از پرتو الوهیت (اشاره به، به هستی در آمدن اشیا براساس پرتو هستی) می باشد. نور جلوه ای از هستی مطلق است که نماد وحدت و توحید الهی است. رنگ ها هر یک بنا بر ممیزات خویش، متضمن معنایی سمبولیک هستند، حالات روحانی و نفسانی آدمی و نحوه تحقق وجود موجودات و امور در عالم همواره با بیان سمبولیک در ساحت هنر توأم بوده است [6].

رنگ از جمله صفات ممتاز معماری اسلامی است، که از تکثیر نور حاصل می شود و نمایانگر کثرتی است که ارتباط ذاتی با وحدت دارد. از دیدگاه رسول اکرم (ص) محبوب ترین رنگ ها نزد حق تعالی سفید است و خداوند بهشت را با رنگ سفید آفریده است [4]. رنگ عاملی است در جهت استفاده معنوی در جلوه های نگارگری معماری اسلامی. رنگ سبز نشانه سیادت فرزندان علی (ع) و فاطمه (س) محسوب می شود. رنگ زرد زرین عاملی برای سرور و انبساط خاطر معرفی می شود. رنگ های آبی، فیروزه ای و طلایی در نگارگری اسلامی و ایرانی، جلوه هایی از معانی باطنی جاری در بطن رنگ ها هستند و یکی از اصیل ترین رنگ های مطرح در هنر اسلامی رنگ فیروزه ای است [5].

آب در عرفان، هنر و معماری اسلامی، جلوه پاکی ها، زیبایی ها و هم خوی حق است، و در فلسفه اسلامی بن هستی محسوب می شود. حضور آب در معماری اسلامی به ویژه در مسجد به بنا صفت تطهیر عطا می کند و شفافیت آن پرده از جاودانگی بناها بر می دارد.

12- نمونه موردی معماری اسلامی (مسجد جامع قرطبه)

این مسجد خالص ترین سبک معماری عربی می باشد و بنیانگذار آن عبد الرحمان اول (امیر اموی) می باشد، که این مسجد در 169/785 م همانند مسجد جامع دمشق برپا شد و در کشور اسپانیا بنا شده است شکل (1).



شکل (1) : پلان مسجد قرطبه [1]

مسجد جامع قرطبه مشتمل است بر یک حیاط و یک شبستان با بامی دراز که دارای دو نشیب است و بر طاق هایی بر دو سطح تکیه دارد (شکل 2).



شکل (2) : پلان مسجد قرطبه [1]

در این بنا طاق ها با سنگ های رنگارنگ و باد بزن گونه مزین شده اند. تعداد طاق ها در بنای نخستین مسجد 100 طاق بود و پس از توسعه آن در سده دوم تا چهارم هجری به 400 طاق رسید شکل (3).



شکل (3) : طاق و رواق مسجد قرطبه [1]

شاهکار هنر قرطبی همانا محراب مسجد است. فرو رفتگی محراب بسیار عمیق است و به شکل ضلعی است و در بالا با طاق نعلی محدود است، که نمای آن با سنگ های سه گوش و دم کفتری و موزاییک زرد، سبز و سرخ کدر آراسته شده است، که این نمای آرایشی به صورت قائم الزاویه قرار دارد، و بر آن کتیبه ای از حروف کوفی زرین می باشد شکل (4).



شکل (4) : محراب مسجد قرطبه [1]

ساختمان این مسجد با نقش های اسلیمی تزئین یافته است و محراب و طاق های گوناگون در جلوی آن قرار دارد، که این گنبدها از طرفی دسته ستون بودن پایه ها سرمشق طاق های گوتیک شد و از سوی دیگر الگویی شد برای طاق های ایرانی شکل (5).



شکل (5) : تزئینات داخلی مسجد قرطبه [1]

13- نتیجه

بورکهارت از اندیشمندان بزرگی است که به تحلیل هنر و معماری اسلامی می پردازد، تا دین اسلام را جستجو کند. او در طی دوران زندگی خویش به بررسی مطالعه و کتب مختلف دینی پرداخت و هنر معماری اسلامی را روح هنر در مساجد و مکان دینی می دانست. وی بعد از مطالعه های فراوان به دیدگاه حکمت خالده و هنر مقدس دست یافت. در موازات تیتوس بورکهارت می توان از سید حسین نصر و محمد بلخاری نام برد، که رویه تحلیل بورکهارت را پیش گرفتند و کارهای ایشان را مورد بررسی قرار دادند. بورکهارت در تعاریف خود بعد از دیدگاه هنر مقدس با تحقیق و تفکر در حوزه فلسفه و هنر دانست که بین قومیت های مختلف مثل هندو، ژاپن و چین، رمزی در بین هنر الهی وجود دارد. او اندیشه های اسلامی و اسلام را کامل ترین اندیشه و دین می دانست. وی به تحقیق در خصوص مساجد، تزئینات اسلامی، خطوط و غیره پرداخت و در میان تمام آن ها نوعی از هماهنگی و تعلق را می دید. پس از تحلیل و بررسی می توان ذکر کرد، که او اندیشمندی سنت گراست که تضاد و تقابل بسیاری از خصوصیات هنری و ادیان الهی را مشخص و روشن کرده است. بورکهارت با وجود تفکر خاصش در صدد راز گشایی از مصادیق اسلامی پرداخت و شیوه ای جدید در حوزه شناخت اسلامی را آغاز کرد، که هنر اسلامی را پایه و بیانگر هنر می داند.

مراجع

- [1] بورکهارت، تیتوس، **هنر اسلامی زبان و بیان**، ترجمه رجب نبا، مسعود، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش، 1392.
- [2] مددپور، محمد، **حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر اسلامی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات سوره مهر، 1387.
- [3] بورکهارت، تیتوس، مددپور، محمد، زهنورد، زهرا، **سه رهیافت به حکمت هنر اسلامی**، ترجمه آوینی، سید محمد، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر، 1388.
- [4] بلخاری قهی، حسن، مددپور، **قدر نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر، 1394.
- [5] بلخاری قهی، حسن، مددپور، **سرگذشت هنر در تمدن اسلامی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات سوره مهر، 1388.
- [6] مددپور، محمد، **تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی**، چاپ سوم، تهران، نشر بین الملل، 1390.
- [7] بورکهارت، تیتوس، **هنر مقدس اصول و روش ها**، ترجمه ستاری، جلال، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سروش، 1390.
- [8] بورکهارت، تیتوس، **مینیاتور ایرانی**، ترجمه اعوانی، غلامرضا، هنر دینی، شماره ششم، 164، پرتال جامع علوم انسانی، 1379.
- [9] بورکهارت، تیتوس، **نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی**، ترجمه اعوانی، غلامرضا، هنر دینی، شماره دوم، 71، پرتال جامع علوم انسانی، 1378.
- [10] سرتیپی پور، محسن، **بن مایه های هنر اسلامی در اندیشه تیتوس بورکهارت**، صفه، شماره 46، 98، دانشگاه شهید بهشتی تهران، 1387.



سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری

The third annual conference for research in architecture, urban planning and urban management



زیرنویس ها

ⁱ Titus Burckhardt